

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد چند نکته را در ضمن یک مقدمه فقط صرفاً اشاره کنیم تا برسیم به نقد این مدعا که سیره‌های متأخر از عصر تشریع با عدم الردع شارع در زمان حضور و زمان تشریع همه این سیر متأخر معتبر می‌شوند.

نکته دوم این بود که اشاره کردیم در عقائد ثابت شده که شریعت اسلام دو خصوصیت دارد، یک خصوصیت، جامعیت و شمول است. این جامعیت و شمول در دو جهت است: جهت اول؛ تأمین سعادت اخروی و جهت دوم؛ جهت دهی به زندگی دنیوی و مناسبات اجتماعی برای سعادت بشر در این دنیا. لذا اشاره کردیم آنچه را که برخی از روشنفکرانها مطرح می‌کنند که جامعیت دین را در بُعد دوم نفی می‌کنند این کلامشان مردود است. آنان می‌گویند طبق اصول، دین برای سامان دادن به معیشت مردم نازل نشده است بلکه طبق اصول، دین برای حیات اخروی است و اشاره می‌کنند که برخی از دستورات دینی که برای روابط اجتماعی است در عین امتیاز، جزء دین و شریعت نیست «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»^۲ نیست.

این نظریه معروف شده به نظریه عرفی شدن فقه، لذا می‌گویند در احکام رفتاری انسان، مناسبات اجتماعی، شیوه زندگانی این دنیایی مردم، دین بما هو دین آورده ندارد بلکه پایه تقنین احکام رفتاری مردم در این دنیا عقلاء هستند حالا یا بناهای عملی عقلا یا مصوبات عقلا که با قانونگذاری در پارلمان‌ها اتفاق می‌افتد یا مراجعه مستقیم به افکار عمومی، تعیین کننده احکام رفتاری برای انسان‌هاست در این دنیا و لا غیر. لذا برای احکام این دنیایی مرجع عقلا هستند، رفتارهای ما در این دنیا حسن و قبحش به نظر جمعی عقلاست نه دین و شریعت. برای این نظریه خودشان که عرفی شدن فقه است ادله‌ای دارند، هفت یا هشت دلیل دارند که ما قبلاً اشاره کرده‌ایم و جواب داده‌ایم که فقط به دو دلیل اشاره می‌کنم:

دلیل اول: توهمی است که از نظریه منطقه الفراغ پیدا کرده‌اند که عبارت بعضی از آنها این است: «راه دیگر برای دخالت عرف، گسترش منطقه الفراغ شرعی است؛ یعنی پذیرش این معنی که حوزه مباحات اساساً میدان جولان عقل عرفی است و این میدان را می‌توان به طرق گوناگون توسعه داد، به حدی که حوزه واجب و حرام شرعی، تنها محدوده اندکی از حقوق خصوصی را در بر گرفته و عمدتاً معطوف به شعائر و مناسکی گردد که به تنظیم رابطه انسان و خدا می‌پردازد»^۳.

منطقه الفراغ را به صورتی معنا می‌کند که منطقه الفراغ گویا همه رفتارهای این دنیایی انسان را شامل می‌شود، گویا شارع حکمی ندارد و وقتی شارع حکمی ندارد محدوده وجوب و حرام شرعی اندک می‌شود و اختصاص دارد به شعائر و مناسکی که رابطه بین انسان و خدا را در نظر می‌گیرد مثل صلاة و صوم و حج، قسمتی از عبادات، آنجا واجب و حرام شرعی است در سایر موارد همه رفتارهای این دنیایی انسان را داخل در منطقه الفراغ می‌دانند. تحلیلی دارند که باید پاسخ داده شود که الان وارد نمی‌شویم.

دلیل دوم: استدلال می‌کنند و می‌گویند مگر اسلام برخی از احکام جاهلی را امضا نکرده است؟! وقتی قوانین عرفی الان بسیار مرفقی‌تر از احکام جاهلی است، چه اشکالی دارد بگوییم شریعت اینها را هم امضا کرده است؟

عبارت برخی از اینها این است: «گاهی تصور می‌شود که یکی از دلایل دخالت عرف در احکام شرعی، تقسیم احکام به تأسیسی و امضایی است، زیرا امضای بخشی از قوانین بشری در اسلام گواه بر این است که اسلام بر بسیاری از عرفهای دوران جاهلیت صحه گذاشته و امضا کرده است، و تنها در «فقه العبادة» به تأسیس احکام جدیدی دست یازیده است. با این حساب اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در زمان ما ظهور کرده بود، به بسیاری از عرفهای موجود نیز صحه می‌گذاشت، چرا که قوانین عرفی عصر ما قطعاً از «فقه الجاهلیه» پیشرفته‌تر و انسانی‌تر است»^۴.

۱ - جلسه ۱۶ - مسلسل ۶۲ - چهارشنبه - ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

۲ - سورة نجم، آیه ۴.

۳ - سعید حجاریان، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۸۰.

۴ - مجله کیان، سال پنجم، شماره ۲۴، ص ۲۰.

اولاً: احکام تابع مصالح و مفاسد است «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُبَيِّحْ أَكْلًا وَ لَا شَرْبًا إِلَّا مَا فِيهِ مِنَ الْمُنْفَعَةِ وَالصَّلَاحِ وَ لَمْ يُحَرِّمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَ التَّلَفُ وَ الْفَسَادُ...»^۵ این روایت امام رضا علیه السلام است که سندش هم لازم نیست بررسی شود، چون ادله قاطع بر آن وجود دارد.

ثانیاً: آنچه هم در زمان جاهلیت تأیید شده فقه جاهلیت نیست بلکه اگر درست تحلیل شود در زمان جاهلیت قوانین باقیمانده از شرایع سابق بوده است که این قوانین دستخوش تغییراتی شده دوباره اسلام آمده و این قوانینی که دستخوش بعضی از تغییرات شده است اصلاح کرده و برگردانده به اصلش نه اینکه این قوانین جاهلی بوده و اسلام آنها را تأیید کرده است.

نقد و بررسی اینها باید در جای خودش باشد.

ادعای ما این است که کسی که احکام شریعت را بررسی کند بدون شبهه شارع مقدس برای رفتارهای این دنیایی انسان قانون دارد، همه حرف آقایان این است که می‌خواهند بگویند اصل اولی در شریعت وضع قانون برای رفتار بین انسان و خداست و در مورد رفتارهایی این دنیایی انسان، وظیفه شارع وضع این قوانین نیست و اگر در موردی هم آورده است از باب «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيُ يُوحَى» نیست. لذا قوانین این دنیایی وضعیتش به دست بشر و عموم مردم است.

این بالضروره باطل است آیات قرآن را ببینید: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾ وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾ وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾»^۶ یازده مورد را ذکر می‌کند این مربوط به رفتارهای این دنیایی است یا دنیای آخرت است؟ «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» «وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ»، «إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ»^۷، «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ» الان عقل جمعی چگونه سقط جنین را اجازه می‌دهد؟ به علت یک مصالحی که بر آن مترتب است، اینها مربوط به رفتارهای این دنیایی است یا آن دنیا؟ انواع مباحث مختلفی که در این آیات و روایات وجود دارد، کتاب العشره را مراجعه کنید «وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ»، «وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ»، «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ» و انواع دستورات مربوط به رفتار این دنیایی که شریعت دارد، ما آیا واقعا می‌توانیم بگوییم در همه اینها تأسیس نیست و برخی از احکام را بیان کرده و اینها «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيُ يُوحَى» نیست؟! بدون شبهه کسی که با آیات و روایات آشنائی داشته باشد این ادعا را نمی‌تواند داشته باشد.

این روشنفکر نماها دو بحث دارند که نباید با هم خلط شود یکی بحث عرفی شدن فقه است که جمعی از اینها دارند عرفی شدن فقه حیطه رفتار انسان است، و یک بحث فراتر از آن دارند تحت عنوان عرفی شدن دین، عرفی شدن دین که در جهان مسیحیت امروز بسیار متداول شده است، بحث عرفی شدن دین مربوط به رفتارها نیست مربوط به اندیشه‌هاست، جهت هم دارد که چرا جمعی از مسیحیت به طرف عرفی شدن دین رفته‌اند؟ چون الهیات مسیحیت می‌گوید اول ایمان بیاور و بعد بفهم بر خلاف الهیات اسلام که می‌گوید اول بفهم بعد ایمان بیاور، این باعث شده است که برخی از بزرگان مسیحیت خودشان به دنبال عرفی شدن دین باشند.

دانکیو پیت مثاله و کشیش معروف مسیحی، استاد دانشگاه‌های اروپا بیش از چهل کتاب دارد، یک کتابش که تقریباً عرفی شدن دین را در این کتاب مطرح می‌کند به نام **دریای ایمان** که حسن کامشاد آن را ترجمه کرده است. شاه بیت عرفی شدن دین در مکتب مسیحیت

^۵ - الفقه - فقه الرضا؛ ص: ۲۵۴: «قَالَ عَ اَعْلَمَ يَرْحَمُكَ اللهُ أَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُبَيِّحْ أَكْلًا وَ لَا شَرْبًا إِلَّا مَا فِيهِ مِنَ الْمُنْفَعَةِ وَ الصَّلَاحِ وَ لَمْ يُحَرِّمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَ التَّلَفُ وَ الْفَسَادُ فَكُلْ نَافِعٍ مَقْوٍ لِلْجَسْمِ فِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ فَحَلَالٌ وَ كُلْ مُضِرٍّ يَذْهَبُ بِالْقُوَّةِ أَوْ قَاتِلٍ فَحَرَامٌ مِثْلُ السُّمُومِ وَ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْجَنْزِيرِ ...».

^۶ - سورة انعام، آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳.

^۷ - این جمله در سه سوره وارد شده است، یوسف سورة آیات ۴۰ و ۶۷ و سورة انعام آیه ۵۷.

نوشته همین **دانکیو پیت** است تحت عنوان **دریای ایمان** که ترجمه هم شده است. که در حقیقت همه باورهای دینی را زیر سؤال می‌برد، بحث وجود خدا و بحث وجود معاد را که اینها را جزء خرافات می‌داند و دین را مربوط می‌داند به یک آموزه‌های اخلاقی فقط؛ که بعد هم بعضی در داخل که نمی‌خواهم اسم ببرم، بعضی با اقتباس از همین مطالب یک نظریه‌هایی دارند، بعضی از کسانی که ادعای فیلسوف بودن هم می‌کنند و سابقه دینی هم گاهی داشته‌اند همان مطالب را گاهی تکرار می‌کنند و بعضی از آن مطالب را مطرح می‌کند و دارند به همان مسیر می‌روند.

نکته سوم خواهد آمد.